

حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقیقی دو تابعیتی (نمونه موردی: خانم نازنین زاغری)

سیاوش صانعی

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

آدرس پست الکترونیک نویسنده: siavash_sanei@iran.ir

چکیده

حمایت دیپلماتیک، حمایتی است که یک دولت نزد دولتی دیگر، به منظور جبران خسارتی که بر اثر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به یکی از اتباع او؛ اعم از حقیقی یا حقوقی وارد شده‌است، به عمل می‌آورد. اشخاص حقیقی امروزه در حقوق بین‌الملل تا حدودی به طور مستقیم حضور پیدا کرده‌اند و به سبب همین حضور حقوقی به آنها تعلق گرفته و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده آنها قرار گرفته‌است. در این تحقیق تلاش بر آن است که حضور فرد حقیقی دو تابعیتی در عرصه حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. هدف از پژوهش بررسی حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقیقی دو تابعیتی، تحلیل شرایط لازم برای پذیرش درخواست از سوی دولت متبوع و همچنین ارائه دیدگاه‌های تازه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک و بررسی تحلیلی حمایت دیپلماتیک با بررسی پرونده نازنین زاغری می‌باشد. روش تحقیق روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده‌است، و نگارنده با مطالعه منابع حقوقی موجود شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و اسناد به زبان‌های فارسی و مراجعه به سایت‌ها و اینترنت و نشریه‌ها و خبرنامه‌ها و سپس با جمع بندی مطالب گردآوری شده و ارائه نظرات خویش اقدام به تدوین تحقیق نموده‌است. نگارنده در انجام تحقیق مذکور، درصدد بوده‌است تا علاوه بر تبیین موضوع، به بررسی شرایط اعمال حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقیقی، ساز و کارهای این نهاد مهم حقوق بین‌الملل را در جهت حمایت از حقوق اتباع شناسایی و طرح نموده و در زمینه ایجاد چارچوب حقوقی نوین، توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل با هدف حمایت از حقوق فردی و جبران فوری و کامل خسارات مادی و معنوی اتباع به نتیجه نهایی دست یابد. سوالی که مطرح است اینست که حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقیقی دو تابعیتی چگونه‌است و چه شرایطی دارد؟ و فرضیه اصلی مطرح شده در این تحقیق بیان می‌کند دولت متبوع فرد می‌تواند منوط به وجود رابطه تابعیت و طی مراحل جبران خسارت داخلی، از تبعه خود در برابر دولت متبوع دیگر و نیز دولت ثالث حمایت دیپلماتیک کند. درباره پرونده نازنین زاغری شخص دو تابعیتی که در کشور ایران بازداشت شده‌است موارد حمایت دیپلماتیک از طرف کشور انگلستان قابل قبول نبوده و امکان اعمال اجرا ندارد. قوانینی که برای حمایت از حقوق افراد وضع می‌شود همچنان دارای نقایص و ایراداتی می‌باشد که در این بین افراد دو تابعیتی یا چند تابعیتی و حتی بی‌تابعیت دارای شرایط خاص‌تر و مشکل‌تری می‌باشند و دارا بودن تابعیت موثر در این بین شکل تازه‌ای به این قوانین داده‌است. این نتایج برگرفته از تحلیل و تجزیه و بررسی‌های نگارنده تحقیق بوده‌است.

واژگان کلیدی: شخص حقیقی، شخص حقوقی، حمایت دیپلماتیک، دو تابعیتی، حقوق بین‌الملل

مقدمه

زمانی دولت‌ها تنها موضوعات حقوق بین‌الملل بودند اما گسترش روز افزون ارتباطات بین‌المللی و وابستگی متقابل تابعان حقوق بین‌الملل، به لحاظ منافع مشترک و تهدیدات مشترک موجود، که همکاری و همبستگی‌های بین‌الملل را ایجاد می‌کرد، منجر به روند دیگری شد. تا قرن نوزدهم در حقوق بین‌الملل، شناسایی جایگاه افراد صورت نگرفته بود. در آن هنگام، جایگاه فرد در حقوق بین‌الملل، به جای اینکه دارنده حق باشد، به عنوان یک شیء بود. (احمدی نژاد و متاجی، ۱۳۹۵).

اصولا افراد نمی‌توانند علیه دولت‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی اقامه دعوی کنند به همین لحاظ و از آنجایی که اصل بر این است که هر فردی تبعه دولتی باشد، این دولت متبوع افراد است که دعاوی آنها را از جانب خود و از باب حمایت دیپلماتیک، اقامه می‌کند. در خصوص اینکه طبیعت رابطه دولت با تبعه در چنین حمایتی چیست، بحث فراوان است. برخی قائلند که دولت به نمایندگی و وکالت از جانب تبعه، دعوا را اقامه می‌کند، که نظر مقبولی نیست و در انستیتوی حقوق بین‌الملل در کمبریج (۱۹۳۱) و اسلو (۱۹۳۲) مورد بحث قرار گرفت و رد شد. (غلامی، ۱۳۹۶)

۲
واتل در این مورد می‌گوید: «داشتن رفتاری خلاف قاعده با تبعه، در حقیقت داشتن آن رفتار با دولت متبوع اوست. حاکمیتی که بدین صورت مورد تجاوز قرار گرفته‌است، باید اقدام تلافی جویانه‌ای در قبال آن در قبال آن عمل داشته باشد و در صورت امکان، متجاوز را به جبران خسارت وادارد و او را متنبه سازد؛ چون در غیر اینصورت، تبعه (زیان دیده) از یکی از ثمرات زیستن در جامعه متمدن که همانا حمایت سیاسی باشد، بی بهره خواهد ماند. (Vattel, 1916)

با عنایت به ارتقاء منزلت فرد در نظام حقوق بین‌الملل، اصل صلاح‌دیدگی و اختیاری بودن حمایت دیپلماتیک دچار تحولی اساسی شده، این حق از اختیار و صلاح‌دید انحصاری دولت خارج شده‌است و "حق بشری" نیز محسوب می‌شود. لذا در رویه عملی محاکم بین‌المللی به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری این رویکرد قوت گرفته‌است که قواعد حاکم بر حمایت دیپلماتیک به گونه‌ای باید تفسیر شود که افراد هرچه بیشتر بتوانند از حمایت دیپلماتیک و از جبران واقعی خسارات بهره‌مند شوند. (نیاورانی و ذبیحی شهری، ۱۳۹۴)

مطابق مواد کمیسیون در مورد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، هر دولتی که تعهدی عام الشمول دارد ممکن است به نفع افرادی که قربانی نقض و منتفع تعهد هستند؛ ادعای جبران خسارت کند. مواد کمیسیون در مورد حمایت دیپلماتیک تصریح کرده‌اند که همچنین دولت متبوع ممکن است فقط به نفع فرد آسیب دیده وقتی که حقوق او نقض شده‌است ادعای جبران خسارت کند. در حالی که اسناد خاصی که بوسیله کمیسیون حقوق بین‌الملل تصویب شده‌است دیدگاهی را در مورد تحلیلی از جایگاه افراد را به عنوان دارندگان حقوق در حقوق بین‌الملل را منعکس می‌کنند؛ قائل شدن به اینکه کمیسیون رویکرد جامعی در این موضوع دارد؛ مشکل است. (نظریانی به نقل از گایا، ۱۳۹۰)

بیان مسئله

آنچه در تحقیق حاضر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است طرح دوتابعیتی بودن اشخاص و حقوق اشخاص حقیقی و قوانین مرتبط با آنان است که به تحقیق و تفحص بیشتری نیاز دارد. در این رابطه تحقیقات کم و محدودی انجام شده که باز هم تمامی قوانین و قواعد جدید بعد از کنوانسیون حقوق بین‌الملل سال ۲۰۰۶ کمتر بررسی شده و هنوز هم سوالات بی‌پاسخ بسیاری در این باره وجود دارد. نبودن دسترسی به منابع موثق فارسی و نداشتن بانک اطلاعاتی قوی از منابع لاتین یکی از محدودیت‌های این تحقیق و تحقیقاتی از این قسم می‌باشد.

اشخاص حقیقی امروزه در حقوق بین‌الملل تا حدودی به طور مستقیم حضور پیدا کرده‌اند و به سبب همین حضور حقوقی به آنها تعلق گرفته و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده آنها قرار گرفته است. هر چند که در این رابطه دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود داشته و دارد اما رویه موجود در جامعه بین‌المللی امروزی جایگاه اشخاص حقیقی به عنوان تابع حقوق بین‌الملل را مورد شناسایی قرار داده است که اعمال و اجرای این حقوق و مسئولیت‌های بین‌المللی خود گواهی بر این مدعا می‌باشد. در ارتباط با وضعیت حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های افراد در جامعه داخلی می‌باشد اما در خصوص این حقوق و مسئولیت‌های اشخاص حقیقی در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل وضعیت متفاوت می‌باشد. (نوری، ۱۳۹۰) زیرا در این عرصه تعامل افراد با یک دیگر مطرح نمی‌باشد. از جمله سوالات مورد بحث شروط اعمال حمایت دیپلماتیک این است که این حمایت حق فرد است یا دولت متبوع و هم چنین وضعیت اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به چه شکل است و اینکه دول ثالث به ویژه به هنگام تابعیت مضاعف یا چندگانه چگونه ایفای نقش می‌نمایند. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه تا حدود زیادی ابهامات را برطرف ساخته است و از جمله اقدامات مهم حقوق بین‌الملل و در راستای حمایت از اشخاص در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

«حمایت دیپلماتیک» در آموزه‌های سنتی حقوق بین‌الملل به عنوان نهادی مطرح است که در چارچوب آن، اگر به اتباع یک کشور در محدوده سرزمینی دولت دیگر خسارتی وارد شود که جبران نشود، دولت متبوع حق حمایت حقوقی از اتباع خویش را دارد. (نیاورانی و ذبیحی شهری، ۱۳۹۴) در حمایت دیپلماتیک ادعای فرد علیه دولت مسئول به سطحی بالاتر ارتقاء یافته به ادعای دولتی علیه دولت دیگر تبدیل می‌شود که امکان طرح دعوا نزد مراجع بین‌المللی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری را خواهد داشت. حمایت دیپلماتیک در حقیقت گونه‌ای حمایت از اتباع است که صرفاً در قامت حمایت حقوقی قرار می‌گیرد. این نهاد حقوقی بر پایه سه اصل وجود رابطه تابعیت، طی مقدماتی محاکم داخلی برای احقاق حق توسط قربانی و همچنین پاکدستی مدعی استوار است. حمایت دیپلماتیک در جامعه بین‌المللی نظیر دیوان دایمی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌های مختلف، مورد تأیید قرار گرفته است. نکته اینجاست که بر پایه حقوق عرفی سنتی در نظام حقوق بین‌الملل، دولت در تصمیم‌گیری به انجام حمایت یا عدم آن حق انحصاری داشته است و از دیگر سو، اگر اقدام به حمایت دیپلماتیک کند، به عنوان اصیل دعوای بین‌المللی بوده، از همه مهم‌تر اگر در جریان حمایت دیپلماتیک دولت متخلف محکوم به جبران خسارت می‌شد، دولت متبوع زبان دیده هیچ تکلیفی به جبران خسارت وی نداشته است. به نظر می‌رسد که حمایت

دیپلماتیک حق فرد و ماهیتی حقوق بشری دارد، لذا دولت‌ها مکلف به حمایت دیپلماتیک از شهروندان هستند. امروزه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر یکی از اهداف اساسی نظام حقوقی بین‌المللی است. (همان)

حمایت دیپلماتیک در آغاز فاقد پشتوانه حقوقی محکمی بود و دولت‌ها بیشتر با توسل به زور از اتباع خود حمایت می‌کردند. اما با پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل، توسعه سطح روابط بین‌المللی، تدوین کنوانسیون‌های مختلف، ترویج هرچه بیشتر حمایت از حقوق بشر و... جایگاه انسان‌ها در حقوق بین‌الملل نیز تحول اساسی یافت و به تبع آن، نهاد حمایت دیپلماتیک رشد فزاینده‌ای پیدا کرد؛ به طوری که امروزه به عنوان یکی از نهادهای مترقی حقوق بین‌الملل مطرح است. حمایت دیپلماتیک، مفهومی از حقوق بین‌الملل عرفی است که همه اقدامات دیپلماتیک یک کشور نزد کشور دیگر را برای احقاق حقوق اتباع خود و حمایت از آنها در قلمرو کشور خارجی که مورد تعدی و تجاوز؛ اعم از مالی و غیرمالی، قرار گرفته‌اند و ضرر و زیان معنوی یا مادی به آنها وارد آمده‌است، شامل می‌شود. (جعفری، ۱۳۹۷)

موضوع دیگری که مطرح است موضوع تابعیت‌های مضاعف است. در بند ۴ کنوانسیون لاهه ۱۹۳۰ در مورد تابعیت آمده‌است که یک دولت نمی‌تواند حمایت دیپلماتیک خود را به تبعه‌اش در مقابل کشوری که فرد تبعه آن دولت نیز هست اعمال کند اما باید توجه داشت که با وجود دکترین‌های مختلف در این زمینه، دیوان داوری ایالات متحده - ایران برای حل تعارض میان تابعیت‌های دوگانه دکترین «تابعیت موثر» را برگزید و چنین استدلال کرده‌است: «در اعمال قواعد حقوق بین‌الملل، دیوان خود را در وضعیت شبیه وضعیت دادگاه یک کشور ثالث که با دعوای یک فرد دو تابعیتی علیه یکی از دولت‌های متبوع خود مواجه گردیده باشد، می‌داند. طبق ماده ۵ کنوانسیون لاهه «در یک کشور ثالث با شخصی که بیش از یک تابعیت دارد باید همانند شخصی که فقط یک تابعیت دارد رفتار شود، کشورهای ثالث ممکن است در قلمرو خود از میان تابعیت‌هایی که شخص داراست منحصر یا تابعیت کشوری را که طبق شواهد موجود علایق واقعی بیشتری با آن دارد به رسمیت بشناسد».

حقوق بین‌الملل هیچ دولتی را به حمایت از اتباع خود مجبور نکرده‌است و این موضوع کاملاً در اختیار دولت‌هاست. اگرچه در بعضی موارد چنانچه نقض فاحش حقوق بشر صورت بگیرد، دولت‌ها مطابق مقررات بین‌المللی باید به حمایت از اتباع خود بپردازند. اما چنان‌که بیان شد، این موضوع در مقاطعی از تاریخ تنها میان کشورها جریان داشت و تنها دولت‌ها بودند که می‌توانستند در مجامع بین‌المللی طرح دعوا کنند. ولی با تغییرات و دگرگونی‌های حقوق بین‌الملل و توسعه روزافزون حقوق بشر، این قواعد در حال تغییر است؛ برای مثال در دیوان اروپایی حقوق بشر افراد می‌توانند علیه دولت‌ها طرح دعوا کنند و در مواردی نیز رعایت شرط تابعیت لازم نیست. اما در کل، افراد هنوز تابع غیرفعال حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و حمایت دیپلماتیک نیز ابزاری است که آسیب به فرد را آسیب به دولت تلقی می‌کند و دعوا را از سطح داخلی به سطح بین‌المللی منتقل می‌نماید.

بر اساس اصول بدیهی حقوقی و عرفی بین‌الملل، زمانی که اتباع خارجی از طریق قانونی وارد مرزهای یک کشور می‌شوند، همه مسئولیت‌های مرتبط با حفظ جان و اموال آنها بر عهده دولت میزبان است. پشتوانه این ادعا مقررات حقوق بشر و اصل حمایت

دیپلماتیک می‌باشد. معاهدات و نهادهای حقوق بشری، تعهدات دولت‌ها برای حفاظت و حمایت از انسان‌ها را برشمرده و در برخی موارد نیز تعهدات عرفی وجود دارد که دولت‌ها را به رعایت حقوق بشر ملزم می‌کند.

در این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤالات هستیم که جایگاه حمایت دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل کجاست و افراد حقیقی از چه قوانینی می‌توانند استفاده کنند. برای بررسی بیشتر این موضوع و پاسخ به این سؤالات و سؤالات احتمالی دیگر، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد. بدین ترتیب در ابتدا به بیان مفهوم و ماهیت حمایت دیپلماتیک و شرایط برخورداری از آن پرداخته می‌شود و سپس تحول اصل حمایت دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل مدرن، حمایت دیپلماتیک در بردارنده اعمالی است که دولت‌ها برای حفظ صیانت از حقوق و منافع قانونی خود، در حمایت از منافع اشخاص؛ اعم از حقیقی و حقوقی انجام می‌دهند.

از محدودیت‌های اصلی و مهم بیشتر پژوهش‌ها در مسائل حقوق بین‌الملل کمبود مراجع و کتب همچنان در دسترس نبودن منابع معتبر لاتین مرتبط با این موضوع می‌باشد. و این کمبود کار را سخت کرده و نتیجه‌گیری و رسیدن به هدف را دور از دسترس می‌کند. پژوهشگر تنها با مطالعه برخی اخبار و مقالات می‌تواند با تحلیل و پرسش به پاسخ برسد و بعلاوه بین‌المللی بودن مسئله موانع دسترسی به سایت‌ها و کتب نیز در پیش روی پژوهشگر است. امید که به این مسائل بیشتر دقت شود تا تمامی پژوهشگران در حقوق بین‌الملل با سهولت بیشتر به منابع مربوطه دسترسی داشته باشند. (همان)

اهمیت موضوع

حمایت دیپلماتیک، حق و وضعیتی میان دولتی است که در روابط بین دولت‌ها مطرح می‌شود؛ به عبارتی دیگر اعمال‌کننده و مخاطب این حق، دولت‌ها هستند و در وهله اول به نظر می‌رسد که سایر تابعان حقوق بین‌الملل از چنین حقی برخوردار نیستند. (سادات میدانی، ۱۳۸۷) دیدگاه سنتی بر این است که حق مزبور پیش از اینکه حقی خصوصی و فردی باشد، یک حق دولتی است. دولت وظیفه دارد از اتباع خود محافظت کند؛ از این رو، می‌تواند دعاوی آنها را علیه دیگر دولت‌ها مطرح کند که در این حالت، ادعای شخصی دعوا به ادعای کشوری تبدیل می‌گردد و رسیدگی قضایی از سطح داخلی به سطح بین‌المللی، و رابطه اولیه فرد متضرر و کشور مسئول به رابطه کشور متبوع متقاضی و کشور مسئول تبدیل می‌شود. (سلطانی آذر، ۱۳۹۴)

دو تابعیتی در اثر جمع شدن تابعیت ۲ دولت در یک فرد ایجاد می‌شود این ایجاد هم در اثر یک خلاء قانونی بین‌المللی و عدم وحدت رویه کشور ما در تحصیل تابعیت است به گونه‌ای که کشورها طبق مصالح ملی خود براساس سیستم خون و یا خاک تابعیت را اعطا می‌کند در واقع و طرز تفکر دولت‌ها در تحصیل تابعیت از یک رویه واحد نیست و متفاوت می‌باشد. تابعیت مضاعف به همان اندازه‌ای که ممکن است برای فرد تبعه یا کشور پذیرنده مثل آمریکا امتیازاتی را ایجاد کند به همان اندازه یا بیشتر در سطح ملی و بین‌المللی معضلاتی را ایجاد می‌کند در جهت حل این معضل و پیش‌گیری از آن نظریات مختلفی از قبیل نظریه ترجیح تابعیت، تابعیت موثر مطرح شده است ولی سوالی که مطرح می‌شود این است تابعیت مضاعف چگونه بوجود می‌آید (با وجود معضلات) و چه سیاست‌هایی در جهت پیشگیری و حل مشکل آن در سطح بین‌المللی اتخاذ شده است و آیا

سازمان بین‌المللی خاصی در برخورد با موانع آن و تدوین قوانین خاص مربوط به آن وجود دارد یا خیر؟ (خیری نژاد و همکاران، ۱۳۹۷)

کسی که دو تابعیتی است در صحنه‌های بین‌المللی دچار اشکال می‌باشد و وضعی غیرعادی دارد. و مزایای استفاده از دو تابعیتی بودن چندان عادلانه نیست بعلاوه شخص حقیقی دارای دو تابعیت باید در برابر هر دو کشور موظف به انجام تکالیفی باشد که این وضع را سخت می‌کند. معمولاً اشخاص نمی‌توانند نسبت به هر دو کشور وظایف را درست انجام دهند و وفادار باشند. هر چند در ظاهر دو تابعیتی بودن زیبا و جذاب است اما در حقیقت در قوانین بین‌الملل ایجاد اشکال می‌کند و این اشکال زمانی جلوه می‌کند که در دعاوی بین‌المللی قرار گیرد. در این وضع باید از تابعیت یک کشور برای اجرای قوانین استفاده شود تا عدالت برقرار گردد.

هنگامی که دو دولت، تابعیت خود را به یک فرد اعطا می‌کنند، تابعیت مضاعف به وجود می‌آید. این مشکل به دلیل آن به وجود می‌آید که کشورها روش‌های مختلفی برای اعطای تابعیت انتخاب می‌کنند. چرا که هر کشور به مقتضای موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود یکی از روش‌های خاک، خون یا مختلط را انتخاب می‌کند؛ در نتیجه ممکن است تابعیت مضاعف ایجاد شود. به عنوان مثال قانون مدنی ایران، فرزندی را که از پدر ایرانی به دنیا آمده باشد، تبعه ایران می‌داند. اگر این فرزند در خارج از ایران و در کشوری که سیستم خاک را برای تابعیت اعمال می‌کند، مانند کشور آمریکا به دنیا آید، در این صورت وی به موجب قوانین کشور آمریکا تابعیت آن کشور را نیز خواهد داشت. بدین ترتیب این فرزند دارای دو تابعیت ایرانی و آمریکایی خواهد بود که به آن تابعیت مضاعف می‌گویند. مصادیق این مورد فراوان است که گاه سبب ایجاد مشکلات دیپلماتیک بین دو کشور می‌شود. (ابوالحمد، کتاب حقوق اداری)

تابعیت مضاعف در مواردی می‌تواند موجب تکالیف مضاعفی نیز شود. تابعیت مضاعف می‌تواند دستاویزی برای کسب منافع بیشتر و حتی فرار از برخی الزامات یا تقلب نسبت به قانون شود. در چنین وضعیتی، دولت‌های متبوع عموماً از شناسایی تابعیت دیگر فرد خودداری می‌کنند و تنها تابعیت اعطایی خود را به رسمیت می‌شناسند اما وضع چنین افرادی در کشورهای ثالث به این روشنی نیست. این استاد دانشگاه در پایان تأکید می‌کند: رویه بین‌المللی معاصر برای حل این موضوع معیار «تابعیت مؤثر» را مد نظر قرار داده است؛ به این معنا که هر فرد تنها دارای تابعیت کشوری است که در آن به نحو مؤثری حقوق و تکالیف مربوط به یک شهروند یا تبعه را ایفا می‌کند. در این رویکرد برای احراز تابعیت مؤثر به معیارهایی عینی مانند: محل سکونت دائمی یا اقامتگاه شخص، زبان، تابعیت همسر و مرکز امور مهم شخص توجه می‌شود. (روزبهنانی، پایگاه جامع اطلاع رسانی وکالت آنلاین)

برای آن که از پدید آمدن تابعیت مضاعف جلوگیری شود، باید هر کشوری تلاش کند که مقررات تابعیت خود را به گونه‌ای تدوین کند که هیچ کس نتواند تابعیت جدیدی کسب کند، مگر اینکه مسلم شود که تابعیت قبلی خود را ترک کرده است. راه‌هایی نیز برای کسانی که دارای مشکل تابعیت دوگانه هستند پیش‌بینی شده است؛ مثل اینکه وقتی طفل به سن قانونی رسید (مثلاً ۱۸ سال) یکی از دو تابعیت را به میل خود انتخاب کند. یکی از راه‌های دیگری که پیشنهاد می‌شود، این است که

از جهت حمایت سیاسی در صورتی که دادگاهی بین‌المللی با موضوع تابعیت مضاعف مواجه شده، از بین تابعیت‌های موجود، تابعیت فعال، واقعی، مؤثر و عملی فرد را انتخاب کند. (سایت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی)

شایان ذکر است که برخی از کشورها تابعیت مضاعف را قبول ندارند. در این راستا کشورهایی مانند دانمارک، چین، هند، نروژ و ژاپن با وضع قوانینی بازدارنده، داشتن بیش از یک گذرنامه را منع کرده‌اند. همچنین در اکثر کشورهای عربی به‌خصوص عربستان سعودی، داشتن تابعیت دوگانه منع شده‌است و در این کشور جریمه‌های سنگینی نیز در نظر می‌گیرند، این در حالی است که در کشورهایی مانند سوئد، کانادا، انگلستان، و ایالات متحده آمریکا داشتن تابعیت مضاعف منع قانونی ندارد. (دانشنامه جهان اسلام)

اهمیت تحقیق به این خاطر است که نشان دهد دوتابعیتی بودن در قوانین ایران و کشورهای دیگر به چه نحو است و قوانین آن چگونه می‌باشد. وجود خلأهای قانونی و عدم پذیرش و قبول دوتابعیتی‌ها در قوانین خاص هر کشور، همچنین کاستی‌های قوانین موجود در قوانین بین‌الملل از ضرورت‌هایی است که باید پژوهشگران به آن بپردازند. هنوز قوانین برای تابعیت‌های دو یا چندگانه جای بحث و بازبینی بسیار دارد و لازم است درباره آنها تجدید نظر و پژوهش بسیار شود. ما سعی کردیم در حد توان به برخی مسائل و قوانین بخصوص با در نظر گرفتن پرونده نازنین زاغری بپردازیم باشد که نتیجه حاصل مورد استفاده جویندگان علم قرار گیرد.

حمایت دیپلماتیک دول متبوع از فرد در برابر یکدیگر

از نظر حقوق بین‌الملل و بالاخص حقوق بین‌الملل بر که شاخه‌ای نسبتاً جدید می‌باشد، همه افراد بشر اعم از اتباع و بیگانگان از حقوق و آزادی‌های اساسی برای زندگی برخوردارند. اسناد بین‌المللی حقوق بشر حداقل معیارها را برای سلسله‌ای از حقوق بنیادین بشر، محسوب می‌شوند. در ابعاد مختلف اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی تعیین می‌نمایند و بر اساس مروج معیار حقوقی مشترکی جهت احترام به کرامت و حیثیت افراد بشر هستند. حقوق و تکالیف کشور محل اقامت، و کشور متبوع آنها در تعامل با یکدیگر بوده و عمل شایسته به آنها یکی از زمینه‌هایی است که موجب تقویت هرچه بیشتر اجرای قواعد حقوق بشری و در نتیجه، استحکام صلح و امنیت جهانی می‌شود. (تدینی و کازرونی نقل از تیپورسیو، ۲۰۰۱)

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر فردی سزاوار و محق به زندگی، زادی و امنیت فردی است.» این ماده بدون هیچ قید و شرطی و به صورت مطلق بیان شده‌است و حق حیات و امنیت برای هر فردی از ابنای بشر را محترم دانسته و آن را به رسمیت شناخته‌است. بند الف ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر معروف به سند قاهره مقرر می‌دارد: «زندگی، موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده‌است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند.» بند ج همین ماده نیز مقرر می‌دارد: «پاسداری از ادامه زنده بت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید وظیفه‌ای شرعی می‌باشد.» در بند د نیز آمده‌است: «حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست؛ کما اینکه جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی و بر دولت است

حمایت از این امر.» بر اساس ماده ۴ این اعلامیه نیز پاسداری از پیکر هر انسانی وظیفه دولت و جامعه شناخته شده است. (زمانی و بهرام‌لو نقل از والاس، ۱۳۸۲)

حمایت دیپلماتیک دول متبوع از فرد در برابر دولت ثالث

بررسی رویه قضایی بین‌المللی، از این جهت مهم می‌باشد که روشن می‌سازد آیا دولت‌ها در روابط بین‌المللی از اصل تابعیت موثر بپا غالب پیروی نموده‌اند یا از اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها و عدم مسئولیت آنها. بدین منظور باید خاطر نشان ساخت که کشورهای غربی به‌استثنای ایالات متحده آمریکا، کشورهایمانند انگلیس، فرانسه، هلند، آلمان، سوئیس و ... از این اصل حمایت می‌کردند که در مورد مسئله تابعیت مضاعف هیچ دولتی نمی‌تواند اتباع خویش را در مقابل دولت دیگری که اشخاص مزبور تبعه آن نیز محسوب می‌شوند، مورد حمایت سیاسی و کنسولی قرار دهد، رویه کشورهای سوسیالیستی بر این مبنا است که قوانین داخلی این گونه کشورها امکان برخورداری از تابعیت مضاعف را از افراد سلب می‌نماید و تصریح شده که افراد در صحنه بین‌المللی فقط از یک تابعیت برخوردارند، اما رو به‌ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۵۷ کاملاً منحصر به فرد بوده و همواره مدافع این اصل بوده است که: «هیچ دولتی ملزم نیست دعوائی را که دولت دیگری از جانب فردی که تابعیت هر دوی آنها را دارد. علیه آن اقامه کند. بپذیرد، مگر آن که چنین فردی علایق موثر و نزدیک‌تری با دولت خواهان داشته باشد.» (احسن نژاد، مترجم انجمن ایرانی حقوق بین‌الملل)

دیوان بین‌المللی دادگستری، با آنکه معتقد بوده است که در نظام بین‌المللی هیچ دولتی اصولاً حق دفاع از منافع عمومی را ندارد، این واقعیت را آشکار ساخته است که در موارد مربوط به قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل و تعهداتی که دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی برگردن گرفته‌اند، هر دولت در رعایت منافع عمومی دارای منفعتی حقوقی است. از این حکم، این نتیجه به دست می‌آید که منفعت هر دولت در حمایت از حقوق بشر آن زمان مصداق دارد که قاعده مربوط به نظم عمومی بین‌المللی نقض شده باشد. به همین سبب تنها کافی نیست که قاعده نقض شده در قبال همه دولت‌ها قابل استناد باشد، زیرا قواعد حقوق بین‌الملل همه جانبه که متضمن حقوق و تکالیف همه دولت‌هاست نیز دارای چنین خصلتی است. قاعده نقض شده باید حقوقی را در برگیرد که همه دولت‌ها در حمایت از آن منفعتی حقوقی داشته باشند. (حبیبی، ۱۳۹۳)

به موجب ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین ناظر بر روابط کنسولی، مأموران کنسولی دولت فرستنده و اتباع این دولت در قلمروی دولت پذیرنده، حق دسترسی و برقراری ارتباط با یکدیگر را دارند. همچنین بر طبق این ماده، هر گونه توقیف، زندانی با بازداشت اتباع دولت فرستنده باید بدون تأخیر و بنا بر تقاضای ذی نفع به اطلاع پست کنسولی دولت فرستنده برسد. ماده ۳۷ کنوانسیون فوق‌الذکر نیز تصریح می‌کند: هرگاه دولت پذیرنده اطلاعاتی را در رابطه با فوت اتباع دولت فرستنده در دست داشته باشد. باید مراتب را بدون تأخیر به اطلاع پست کنونی دولت فرستنده برساند.

پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بیانگر آن است که دولت‌های ثالث اگر چه مستقیماً زیانی ندیده باشند، بدلیل اهمیتی که بر این قواعد و تعهدات مترتب هست مطابق با قواعد آمره و تعهداتی که در قبال کل جامعه بین‌المللی دارا می‌باشند، دارای منافع حقوقی می‌باشند. با اینکه نقض این تعهدات اغلب نقض‌های جدی حقوق بشر را در برمی‌گیرند، ولی معلوم

نیست که پیش نویس مواد تا چه حدی منعکس کننده دقیق حقوق بشر می‌باشد. (احسن نژاد، مترجم انجمن ایرانی حقوق بین‌الملل)

ادبیات پژوهش

در تفسیر پیش‌نویس ماده ۷ طرح حمایت دیپلماتیک، کمیسیون معتقد است که رویه سال‌های اخیر به دولت‌ها اجازه می‌دهد که از افراد دو تابعیتی، در صورت غالب بودن تابعیت آنها، حمایت دیپلماتیک کنند. (سادات میدانی، ۱۳۸۷) همچنین طبق آرای قضایی در قضیه «نوته بوم»^۱ و دیوان داوری آمریکا، رابطه تابعیت بین فرد تحت حمایت و دولت حامی باید اصیل، مؤثر و غالب باشد؛ بدین معنا که زندگی فرد تحت حمایت با دولت حامی، شدیداً پیوند خورده باشد. قاعده کلی این است که افراد دارای تابعیت مضاعف می‌توانند از حمایت دیپلماتیک هر دو دولت بهره‌مند شوند. اما طبق رویه قضایی دیوان داوری ایران و آمریکا، تابعیت غالب و مؤثر ملاک است. (امیدی، ۱۳۸۸)

تابعیت مؤثر یعنی اینکه بایستی یکی از دو تابعیت شخص دو تابعیتی را به عنوان تابعیت اصلی و مؤثر وی در نظر گرفت و سپس بر اساس تابعیت لحاظ شده قانون حاکم بر شخص را مشخص کرد. معیار تعیین تابعیت مؤثر شخص دو تابعیتی در حالات مختلف متفاوت است مثلاً هر گاه یکی از تابعیت‌های شخص دو تابعیتی با تابعیت قاضی رسیدگی کننده به دعوی یکسان باشد بنا به مصالح سیاسی تابعیتی که با تابعیت قاضی رسیدگی کننده به دعوی مشابه باشد به عنوان تابعیت غالب شخص در نظر گرفته میشود در غیر این صورت از طریق بررسی شواهد و قراین ظاهری در صورتی تعلق خاطر شخص دو تابعیتی به یکی از کشورها بیشتر باشد آن را به تابعیت مؤثر در نظر می‌گیرند. (باهری و عطار، ۱۳۹۳)

قضیه برادران لاگران

کارل و والتر لاگران، دو تبعه آلمانی که در آمریکا زندگی می‌کردند، در سال ۱۹۸۴ میلادی به اتهام سرقت مسلحانه، محاکمه و به اعدام محکوم شدند. دولت آمریکا می‌بایست مطابق ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۳ میلادی در خصوص روابط کنسولی، دستگیری و محاکمه اتباع دولت آلمان را به اطلاع آن کشور می‌رساند؛ ولی چنین کاری نکرد و در نهایت در سال ۱۹۹۹ میلادی علی‌رغم همه تلاش‌های دولت آلمان، حکم اعدام برادران لاگران اجرا شد. دولت آلمان یک روز قبل از اعدام، به دیوان بین‌المللی دادگستری متوسل شد و طی دادخواستی، خواستار صدور دستور موقت از سوی دیوان گردید. دیوان نیز فوراً رسیدگی کرد و دستور موقت صادر نمود؛ ولی آمریکا با استناد به دکترین «فرض صحت دادرسی» مانع از بررسی مجدد پرونده و نقض حکم اعدام شد. دولت آمریکا به قصور مقامات ذی‌صلاح خود در عدم اطلاع به کنسولگری آلمان و آشنایی برادران لاگران از حقوق کنسولی خود اعتراف کرد و عذرخواهی نمود؛ اما با این حال، در پاسخ به دیوان اظهار داشت، ادعای دولت آلمان مبنی بر نقض حق حمایت دیپلماتیک آن کشور، مطابق با پروتکل اختیاری در محدوده صلاحیت دیوان نیست.

قضیه اونا و سایر اتباع مکزیکی

این قضیه آخرین نظریه دیوان در ارتباط با حمایت دیپلماتیک است که بین دولت‌های آمریکا و مکزیک مطرح شد. دولت آمریکا تعداد ۵۲ نفر از اتباع مکزیکی را به اتهام‌های متعدد بازداشت و به اعدام محکوم کرد. دولت مکزیکی با ارائه دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری مدعی شد دولت آمریکا با عدم آگاهی‌دهی به اتباع مکزیکی نسبت به حقوقشان در رابطه با حمایت کنسولی، مواد ۵ و ۳۶ روابط کنسولی را نقض کرده‌است و در مورد اتباع آن کشور رفتار سوء داشته و تقاضای دستور موقت نیز کرده‌است و دیوان نیز پذیرفته‌است. در این قضیه آنچه بیش از همه مورد توجه‌است، دو تابعیتی بودن این افراد است که تابعیت مکزیکی - آمریکایی دارند.

نازنین زاغری تبعه ایرانی - انگلیسی است که ۱۵ فروردین سال ۱۳۹۵ توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه کرمان در فرودگاه امام خمینی (ره) دستگیر و به کرمان منتقل شد. وی دارای تابعیت مضاعف از انگلستان بوده و در سیستم آن کشور فعالیت می‌کرده‌است. زاغری مسئول آموزش خبرنگاری آنلاین بی‌بی‌سی فارسی بوده که با هدف جذب و آموزش افرادی برای فعالیت تبلیغی علیه ایران اقدام کرده‌است. چگونگی استفاده از ایمیل مستعار، پس‌وردهای پیچیده و طولانی، ذخیره‌سازی پس‌وردها و استفاده از نرم‌افزارهای رمزنگاری مطالب و اطلاعات، از جمله مواردی است که در این آموزش‌ها لحاظ می‌شده‌است. از آموزش خبرنگاری تا جرائم امنیتی؛ شوهر او تبعه انگلستان و خودش نیز دارای تابعیت مضاعف از انگلستان بوده و در سیستم آن کشور فعالیت می‌کرده‌است. وی مسئول آموزش خبرنگاری آنلاین بی‌بی‌سی فارسی بوده که با هدف جذب و آموزش افرادی برای فعالیت تبلیغی علیه ایران اقدام کرده‌است. چگونگی استفاده از ایمیل مستعار، پس‌وردهای پیچیده و طولانی، ذخیره‌سازی پس‌وردها و استفاده از نرم‌افزارهای رمزنگاری مطالب و اطلاعات، از جمله مواردی است که در این آموزش‌ها لحاظ می‌شده‌است و استادان این دوره، افرادی مانند مهدی یحیی نژاد (مدیر سایت بالاترین)، اردوان روزبه (رادیو کوچه) و محمود عنایت (مدیر گروه اسمال مدیا) هستند. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹)

امکان سنجی حمایت دیپلماتیک از نازنین زاغری توسط انگلستان

دولت بریتانیا در اقدامی که در تاریخ سابقه نداشته، به شهروند دوتابعیتی ایرانی-بریتانیایی زندانی در ایران حفاظت دیپلماتیک اعطا کرده‌است. اما زاغری تنها زندانی دوتابعیتی در ایران نیست و این توجه ویژه دولت بریتانیا به او سوالاتی را درباره صحت ادعاهای انگلیس به ذهن متبادر می‌کند. بر اساس گزارش رسانه‌های بریتانیایی، این اولین بار در تاریخ است که از چنین ابزاری برای حفاظت از یکی از شهروندان بریتانیایی در خارج از کشور استفاده شده‌است. به این ترتیب با اعطای حفاظت دیپلماتیک، پرونده زاغری از یک موضوع کنسولی به یک موضوع سیاسی بین دولت‌های تهران و لندن تبدیل خواهد شد.

وزیر خارجه انگلیس اعلام کرد که دولت آن کشور تصمیم به اعمال «حمایت دیپلماتیک» در مورد نازنین زاغری گرفته و مدعی شد که این تصمیم به منزله رسمیت دادن به موضوع دولت انگلیس در مورد مغایرت رفتار ایران با زاغری با تعهدات ایران ذیل حقوق بین‌الملل است و به گفته او دولت انگلیس تصمیم گرفته‌است تا از این طریق مساله بازداشت نامبرده را به موضوعی

بین دو دولت ایران و انگلیس ارتقا دهد. از نظر حقوقی، «حمایت دیپلماتیک» که به معنی حمایت سیاسی (و نه صرفاً کنسولی) یک کشور از تبعه خود در یک کشور خارجی است، اگر چه در عمل تقریباً منسوخ شده و یک رویه معمول در قرن ۱۹ و ۲۰ بوده، اما همچنان به لحاظ حقوقی معتبر است و رویه‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و مورد تایید دادگاه‌های بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری است. بر مبنای این سازوکار حقوقی، یک دولت اگر مدعی رفتار غیرعادلانه با یکی از اتباع خود در خارج باشد و حمایت کنسولی را ناکافی ارزیابی کرده باشد، به حمایت دیپلماتیک یا سیاسی از آن تبعه روی می‌آورد و از این طریق منافع این تبعه را در زمره منافع خود تلقی و اعلام می‌کند. در گذشته در مواردی این امر بهانه‌ای برای توسل به زور توسط دولت‌های استعماری هم بوده، اما عمدتاً از آن به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار سیاسی، حقوقی و گاه اقتصادی استفاده شده است. در حقوق بین‌الملل اعمال حمایت دیپلماتیک یا سیاسی موکول به تحقق دو شرط است: یکی اینکه همه راه‌های قضایی برای حفظ منافع تبعه مربوطه در کشور هدف، از جمله از مسیرهای قضایی و از طریق حمایت کنسولی طی شده باشد و دیگر اینکه شخص مربوطه تبعه کشوری باشد که به حمایت دیپلماتیک متوسل می‌شود. وجود شرط دوم در مورد نازنین زاغری محل بحث است. وی ظاهراً تابعیت مضاعف ایران و انگلیس را دارد. اما مطابق قوانین ایران، یک ایرانی مادام که به صورت رسمی و پس از طی مراحل قانونی و احراز شرایط لازم از تابعیت ایران خارج نشده، همچنان تبعه ایران شمرده می‌شود و تابعیت مضاعف او مطابق مواد ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدنی مورد شناسایی نیست. بر این مبنای، ایران زاغری را صرفاً یک تبعه ایران می‌شناسد و مداخله یک دولت خارجی در امور اتباع خود را رد می‌کند.

کنوانسیون ۱۹۳۰ در مورد برخی امور مربوط به تعارض قوانین تابعیت نیز حکم مشابهی دارد. مطابق این کنوانسیون یک دولت نمی‌تواند اقدام به حمایت دیپلماتیک از یکی از اتباعش که دارای تابعیت دیگری نیز هست، بنماید. اما یک «نظریه حقوقی» توسط چند حقوقدان انگلیسی که ظاهراً اقدام دولت انگلیس در مورد زاغری بر مبنای آن استوار است، معتقد است که دیوان بین‌المللی دادگستری (سابقه‌ای ایجاد کرده که مطابق آن یک دولت منعی برای حمایت دیپلماتیک از یک تبعه خود که دارای تابعیت مضاعف است، ندارد. مطابق این رای دیوان، علقه‌های قوی و عینی شخص مانند محل اقامت، خانواده، محل کسب و کار و ... را مبنای تعیین «تابعیت غالب یا موثر» قرار می‌گیرد. نظریه حقوقی مذکور همچنین به مواد تصویب شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۲۰۰۶ استناد می‌کند که در آنها نیز تابعیت غالب یا موثر بر مبنای «علقه‌های قوی‌تر» مورد بحث قرار گرفته است. در این رابطه، همچنین به رویه دیوان رسیدگی به دعاوی ایران و امریکا که به دعاوی ایرانیانی که تابعیت مضاعف ایرانی و امریکایی دارند و علیه دوایر ایرانی شکایت می‌کنند، استناد شده است.

ادعای دیگری که وزیر خارجه انگلیس مطرح کرده، عدم سیر بایسته قضایی در مورد زاغری است. این امر از نظر پیگیری قضایی و سیاسی موضوع در سطح بین‌المللی مهم است و دوایر ذی‌ربط در ایران باید خلاف بودن این اتهام را ثابت کنند و نشان دهند که سیر دادرسی به نحوی کاملاً قانونی و مطابق قوانین ایران طی شده است. یکی از مشکلات در این مورد این است که ظاهراً و تا آنجا که بر این نگارنده معلوم است، اطلاعات رسمی از منابع قضایی در مورد پرونده زاغری اندک است و از جمله حکم محکومیت او انتشار نیافته و آنچه در مورد پرونده می‌دانیم از بیانیه سپاه کرمان در مرداد ۱۳۹۵ و از طریق رسانه‌ها و

^۱Nottebohm Case

^۲lack of due process

برخی اظهارات کلی برخی مقامات قضایی است. البته به گفته آقای غلامحسین اسماعیلی، زاغری یک پرونده سنگین‌تری نیز دارد که تحت رسیدگی است.

نهایتاً اینکه اقدام دولت انگلیس در مورد اعطای حمایت دیپلماتیک یا سیاسی از زاغری را باید عمده‌ترین اقدامی نمادین و سیاسی با هدف افزایش فشار در این مورد به شمار آورد. لندن نمی‌تواند بر این مبنا، دعوی علیه ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح کند، چرا که ایران صلاحیت اجباری این دیوان را نپذیرفته و بدون رضایت ایران امکان طرح دعوا وجود نخواهد داشت. با این حال می‌توان پیش‌بینی کرد که دولت انگلیس از این پس تحت فشار بیشتری برای ائتلاف‌سازی علیه ایران از طریق جذب حمایت دیگر دولت‌ها و رجوع به نهادهای سیاسی و حقوق بشری بین‌المللی قرار خواهد داشت. ضمناً باید در نظر بگیریم که پرونده‌های مشابه دیگری نیز در دستگاه قضایی وجود دارد که ممکن است تحت تاثیر پرونده زاغری قرار گیرد. لذا با توجه به مشکلات دیگر ما در حوزه تحریم و اقدامات خصمانه تیم ترامپ و مشکلات منطقه‌ای، ارجح است که مقامات محترم قضایی رسیدگی به این پرونده بر مبنای رفت اسلامی را مدنظر قرار دهند. (احمدی، ۱۳۹۷)

نخست وزیر سابق انگلستان پیگیر پرونده زاغری بود؛ پرونده او بارها در دستور پیگیری مقامات سیاسی انگلستان قرار گرفته‌است؛ تیر سال ۱۳۹۵ بود که ریچارد رتکلیف (همسر نازنین زاغری) به دیوید کامرون نامه نوشت و در آن دولت کشورش را به اقدامات بیشتر برای آزادی همسرش ترغیب کرد. رتکلیف در نامه به کامرون، نخست وزیر مستعفی بریتانیا، او را به پیشبرد پرونده همسرش پیش از ترک سمت خود ترغیب کرد. او همچنین گفت قصد دارد با «ترزا می»، جانشین دیوید کامرون، نیز تماس برقرار کند. این نامه در ایران واکنش‌هایی به همراه داشت. جعفری دولت آبادی ارسال نامه از سوی دیوید کامرون را موید ارتباط او با دولت انگلستان و اهمیت این متهم برای آن کشور دانست. کامرون در ۱۳ جولای ۲۰۱۶ بعد از ماجرای «برگزیت» و رای آوردن طرح جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا، از سمت نخست وزیری استعفا داد و «ترزا می» به جای او انتخاب شد.

پرونده زاغری برای وزیر خارجه انگلستان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ شاید این پرونده برای او بدل به یک پرونده شخصی شده و اعتبار سیاسی اش به آن گره خورده باشد. بوریس جانسون، روزنامه نگار سابق، شهردار پیشین و تاریخ نگار بریتانیایی، امروز در کسوت وزیر امور خارجه انگلستان قرار گرفته‌است. او نهم آبان ماه درباره زاغری اظهارات جنجال آفرینی بر زبان آورد؛ اظهاراتی که به بی تدبیری او تعبیر شد و در نهایت جانسون را مجبور به عذرخواهی کرد. جانسون در مجلس عوام بریتانیا گفته بود: «نازنین زاغری هنگام دستگیری در ایران مشغول آموزش روزنامه نگاران بوده‌است». این در حالی است که خانواده او مدعی هستند که او در آخرین سفرش به ایران تنها برای دیدار خانواده اش رفته بوده و حتی کارهای خیریه بنیاد تامسون رویترز را که کارمند آنجاست انجام نمی‌داده‌است.

دادستان تهران به ادعای اخیر دولت انگلیس درباره نازنین زاغری واکنش نشان داد، طرح این ادعاها را صرفاً به منظور غرض‌ورزی و تحت الشعاع قرار دادن نظام قضایی ایران است. قاضی مقیم در زندان هم برای جرایم عمومی و هم امنیتی حضور دارد و مرتب با این افراد ملاقات و دیدار می‌شود و از لحاظ تماس تلفنی، ملاقات با خانواده و استفاده از امکانات پزشکی حتی

درمان در خارج از زندان، در بهترین وضعیت قرار دارند. در مورد خانم زاغری ادعایی که اخیراً دولت انگلیس مطرح کرده صحت ندارد و نازنین زاغری محکوم است و دولت انگلیس نباید در امور داخلی ما دخالت کند. و همچنین باید از این فرافکنی‌ها دست بردارد.

آخرین وضعیت پرونده نازنین زاغری، مبنی بر این است که این فرد در یک بخش محکوم شده که در حال گذراندن محکومیت است، این فرد پرونده دیگری هم دارد که بخش دادرسی این پرونده کماکان مفتوح است. تا زمانی که حکم قطعی صادر نشود نمی‌توان اطلاعات دقیق را اعلام کرد.

وزیر امور خارجه بریتانیا با صدور بیانیه‌ای اعلام نموده دولت این کشور از خانم نازنین زاغری راتکلیف که اکنون به اتهام جاسوسی در اختیار مقامات قضایی ایران است، حمایت دیپلماتیک به عمل خواهد آورد. جمهوری اسلامی ایران این اقدام را غیرقانونی خوانده است. آیا یک دولت متبوع شخص (در اینجا بریتانیا) میتواند علیه دیگر دولت متبوع وی (ایران) به حمایت دیپلماتیک متوسل شود؟ مطابق ماده ۷ طرح مواد راجع به حمایت دیپلماتیک کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۶) یک دولت نمی‌تواند علیه دولت دیگری که فرد، تابعیت آن را نیز دارد به حمایت دیپلماتیک متوسل شود، مگر آن که «تابعیت دولت مزبور، غالب باشد، هم در زمان ایراد خسارت و هم در زمان طرح رسمی ادعا.»

اکنون که بحث درباره امکان توسل بریتانیا به حمایت دیپلماتیک علیه ایران درباره خانم نازنین زاغری مطرح است، باید دید کدام تابعیت ایشان غلبه داشته است؟ تابعیت ایرانی یا انگلیسی؟ ممکن است در ماهیت عرفی این استثنا تردید شود اما ارجاع تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل به دیوان داورای ایران و آمریکا و پذیرش این مرجع توسط ایران، احتمالاً حربه استناد به قاعده "معتز مصر" را از ایران سلب خواهد نمود و کشورمان را در چالش قرار خواهد داد. گرچه به طور کلی این استثنا منجر به توسعه ظرفیت قضایی بین‌المللی و تقویت حکومت قانون در سطح بین‌المللی خواهد شد و همگام با رویکرد انسانی شدن حقوق بین‌الملل است. (مقامی، ۱۳۹۷)

نکته دیگر این است که انگلیس بر مبنای کدام معاهده فی مابین ممکن است از طریق حمایت دیپلماتیک، علیه ایران اقامه دعوی کند؟ هر دو کشور عضو پروتکل مربوط به حل و فصل اختلافات کنوانسیون ۱۹۶۳ روابط کنسولی (وین) هستند و ممکن است در چارچوب ادعای نقض این کنوانسیون (از جمله ماده ۳۶) دعوایی علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شود. در صورت طرح چنین دعوایی، دیوان در خصوص یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی و مباحث تابعیت به قضاوت خواهد پرداخت. در ارزیابی‌های بیشتر مشخص می‌شود که دولت بریتانیا در متنی که روی سایت این دولت منتشر شده بیان نموده است: «اگر فرد دو تابعیتی که یکی از تابعیت‌های وی بریتانیایی است در کشور دیگری حضور داشته باشد که تابعیت آن کشور را نیز داراست، نمی‌تواند از «کمک دیپلماتیک» بریتانیا بهره مند شود.» متن مزبور از واژگان حقوقی

^۱ معتز مصر یا معتز سنج (*persistent objector*) اصطلاحاً به دولت‌های معتز یک عرف گفته می‌شود. بدیهی است تازمانیکه یک عرف بصورت یک قاعده آمره در نیامده در خصوص معتزین اجرایی شود اما به محض اینکه تبدیل به قواعد آمره شد در مورد معتزین هم لازم الاتباع است. مثل سیاست آپارتاید.

نظیر حمایت دیپلماتیک استفاده نکرده و ممکن است این عبارت، حمل بر آن شود که چنین کمکی در آن کشور میسر نخواهد بود و یا این که دولت بریتانیا اعتقاد حقوقی به چنین کمکی (اعم از حمایت دیپلماتیک) ندارد.

این بیانیه را میتوان نوعی اقدام یکجانبه تلقی کرد که چه بسا به مثابه اعتراض به روند شکل‌گیری قاعده عرفی مستثنی شدن تابعیت مؤثر (غالب) از منع حمایت دیپلماتیک یک دولت متبوع در برابر دولت متبوع دیگر محسوب شود. در نتیجه دولت بریتانیا برای طرح دعوا بر این مبنا با چالشهایی جدی مواجه خواهد بود. (بلاگفا میقات)

پیشینه پژوهش

بهزاد زینالی (۱۳۹۹) معتقد است که:

قوانین ایران نسبت به دو تابعیتی بودن فرد یا تابعیت مضاعف ساکت هستند؛ در واقع راهکاری در جهت حل پدیده تابعیت مضاعف ارائه نکرده اند اما از لابلای همین مواد مرتبط با تابعیت که در قانون مدنی به آن اشاره شده است، می توان استثنائاتی داشت.

مرندی و مظفری (۱۳۹۹) معتقدند که:

تابعیت دوگانه، موضوعی است که با وجود تلاش‌های صورت گرفته در سطح جهان، به دلیل اقتضائات زندگی در دنیای امروز همچنان وجود دارد، به همین دلیل، بسیاری از کشورهایی که در ابتدای قرن بیستم مقوله تابعیت مضاعف را مطلقاً نمی-پذیرفتند، امروزه با در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی‌شان آن را پذیرفته‌اند.

صفائی اردکانی (۱۳۹۷) بیان می کند که:

مطابق قرارداد لاهه از سال ۱۹۳۰ اصولی در خصوص تابعیت در کشورها رعایت می شود که عبارتند از: اصل لزوم تابعیت اصل تابعیت واحده و اصل تغییر پذیری تابعیت. اما علی رغم سعی و کوششی که در سطح داخلی کشورها و در سطح بین‌المللی جهت رعایت این اصول صورت گرفته است گاهی با افرادی روبرو می شویم که بی تابعیت می باشند یا بیش از یک تابعیت دارند. به عقیده ی برخی از حقوقدانان فرانسوی مثل هانری باتیقول بی تابعیتی در اثر تعارض منفی تابعیت و تابعیت مضاعف در اثر تعارض مثبت تابعیت به وجود می‌آید.

حدادیان و آهنی (۱۳۹۵) معتقدند که:

تابعیت مضاعف در اثر نوعی خلأ قانونی بین‌المللی و عدم وحدت رویه کشورهای مختلف نبود سازمانی بین‌المللی جهت ساماندهی به این مسئله می‌باشد. در قوانین بسیاری از کشورها از جمله قوانین ایران عزیزمان تابعیت مضاعف مطمع نظر قرار نگرفته است، و در هیچ جای قانون مفهومی به نام تابعیت مضاعف یافت نمی شود و قانونگذار درباره آن ساکت است این سکوت به منزله عدم پذیرفتن چنین مفهومی است. در مجموع می‌توان گفت هیچ سازمان بین‌المللی خاصی جهت جلوگیری و ایجاد

تابعیت مضاعف وجود ندارد ولی چند کنفرانس و کنوانسیون در این باره به وجود آمده و همچنین قوانین داخلی کشورها نیز به صورت ضمنی به آن اشاره کرده اند.

شفیعی و دیگران، (۱۳۹۴) در تحقیق خود می‌گویند:

در عرصه بین‌الملل میان دو کشور ممکن است یک سری مسائل و مشکلاتی بروز نماید و موجب به خطر افتادن منافع طرفین گردد. در چنین وضعیتی توسل به راه حل دیپلماتیک امری مهم و حیاتی است. این ساز و کار معمولاً از طریق اعزام متقابل نمایندگان از سوی دولت‌ها و پذیرش آنها در قلمرو یکدیگر صورت می‌گیرد.

عبدالهی و حسنخانی (۱۳۹۳) به نتایج زیر دست یافتند:

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای لاگرانده، اونا و کارکنان سفارت آمریکا در تهران اقدام به صدور دستور موقت برای حمایت از حقوق بشر پرداخت. با این حال شروع یک جهش بلند از قضایای مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای و دیوار آغاز شد و در این آراء دیوان صراحتاً به بررسی اسناد حقوق بشری پرداخت. در پرونده دیالو این حرکت رو به جلو تداوم داشت. دیوان در این رای چه در مقدمه و چه در حکم رای صراحتاً به اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای استناد کرد و از آنجا که اسناد حقوق بشری متضمن یک نظام حمایتی برای فرد می‌شوند در واقع دیوان از این طریق به ورود فرد به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل کمک نموده و زمینه را برای تابع فعال شدن فرد در آینده فراهم کرده‌است.

اهداف و فرضیه‌های پژوهش

حمایت دیپلماتیک از اشخاص دو تابعیتی بر اساس اینکه فرد همزمان تابعیت دو کشور را داشته باشد قابل اجراء است. دولت متبوع فرد می‌تواند منوط به وجود رابطه تابعیت و طی مراحل جبران خسارت داخلی، از تبعه خود در برابر دولت متبوع دیگر و نیز دولت ثالث حمایت دیپلماتیک کند. درباره پرونده نازنین زاغری شخص دوتابعیتی که در کشور ایران بازداشت شده‌است موارد حمایت دیپلماتیک از طرف کشور انگلستان قابل قبول نبوده و امکان اجراء ندارد. چرا که خانم نازنین زاغری یک تبعه ایرانی-انگلیسی است که تابعیت ایرانی ایشان ارجحیت داشته و هنوز هم ایشان یک ایرانی محسوب می‌شوند.

فردی که دو تابعیتی است در صحنه‌های بین‌المللی دچار اشکال می‌باشد و وضعی غیرعادی دارد. و مزایای استفاده از دو تابعیتی بودن چندان عادلانه نیست. بعلاوه شخص حقیقی دارای دو تابعیت باید در برابر هر دو کشور موظف به انجام تکالیفی باشد که این وضع را سخت می‌کند. معمولاً اشخاص نمی‌توانند نسبت به هر دو کشور وظایف را درست انجام دهند و وفادار باشند. هر چند در ظاهر تابعیت دوگانه یا دو تابعیتی زیبا و جذاب است اما در حقیقت در قوانین بین‌الملل ایجاد اشکال می‌کند و این اشکال زمانی جلوه می‌کند که در دعاوی بین‌المللی قرار گیرد. در این وضع باید از تابعیت یک کشور برای اجرای قوانین استفاده شود تا عدالت برقرار گردد. (روزبهنای، پایگاه جامع اطلاع رسانی وکالت آنلاین)

دیدگاه‌های متفاوتی بین کشورها نسبت به دارا بودن دو یا چند گذرنامه توسط افراد تبعه خود وجود دارد، به طوری که برخی از دولت‌ها آن را نهی و حتی قانون‌هایی را برای جلوگیری از آن وضع کرده‌اند؛ ولی برخی از دولت‌ها داشتن گذرنامه کشورهای

دیگر را امری مجاز و بدون محدودیت می‌دانند. تابعیت دوگانه یک وضعیت قانونی است که نشان دهنده ی دو ملیتی بودن فرد است. به این معنا که آن فرد، شهروندِ بیش از یک کشور در نظر گرفته می‌شود (با توجه به قوانین آن کشورها). دو تابعیتی بودن مزایای بسیاری را به افراد دو ملیتی اهدا می‌نماید. از جمله امکان سفر بدون ویزا به بسیاری از کشورهای دنیا. (روزنامه تسنیم، ۱۳۹۷)

در این تحقیق حمایت دیپلماتیک برای اشخاص حقیقی دارای دو تابعیت مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است که مشکلات و مزایای دوتابعیتی بودن و همچنین مزایا و معایب حقوق دیپلماتیک برای این افراد به بحث و گفتگو گذاشته شود. رویه‌های قضایی بعد و قبل کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۶ و قوانین مربوط به اشخاص حقیقی دو تابعیتی نیز بطور مختصر بیان شده است در انتها با بررسی پرونده خانم نازنین زاغری به جنبه های خوب و بد این موضوع پرداخته‌ایم و به نتیجه گیری رسیده‌ایم. تمامی نتایج بدست آمده تنها با مطالعه و بررسی تحقیقات و کتب گذشته بوده و حاصل فکر و اندیشه نگارنده می‌باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و جمع آوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است، و نگارنده با مطالعه منابع حقوقی موجود شامل کتابها، مقاله‌ها، پایان نامه‌ها و اسناد به زبان‌های فارسی و مراجعه به سایت‌ها و اینترنت و نشریه‌ها و خبرنامه‌ها و سپس با جمع بندی مطالب گردآوری شده و ارائه نظرات خویش اقدام به تدوین پژوهش نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس اصول بدیهی حقوقی و عرفی بین‌الملل ل، زمانی که اتباع خارجی از طریق قانونی وارد مرزهای یک کشور می‌شوند، همه مسئولیت‌های مرتبط با حفظ جان و اموال آنها بر عهده دولت میزبان است. پشتوانه این ادعا مقررات حقوق بشر و اصل حمایت دیپلماتیک می‌باشد. دیوان بین‌الملل لی دادگستری از نهادهای قضایی است که در موارد متعددی با قاعده حمایت دیپلماتیک روبه‌رو بوده و اقدامات مؤثری در این خصوص انجام داده است. قضایای برادران لاگرانژ، اونا و سایر اتباع مکزیکی از این موارد است. در مورد افراد دوتابعیتی در حقیقت تابعیت مضاعف نوعی خلاء قانونی بین‌المللی و عدم وحدت رویه کشورهای مختلف می‌باشد. نبود سازمانی بین‌المللی جهت ساماندهی به این مسئله از دیگر کاستی‌های این قضیه قضایی می‌باشد. از طرف دیگر تابعیت مضاعف زمینه و بستر لازم جهت شکل گیری بسیاری از معضلات امنیتی بوده و به نفع همه‌ی دولتها و افراد است که نهایت تلاش خود را جهت ریشه کنی این موضوع اعمال کنند.

تابعیت مضاعف در قوانین بسیاری از کشورها از جمله در قوانین ایران مطمع نظر قرار نگرفته ، و در هیچ جای قانون مفهومی به نام تابعیت مضاعف یافت نمی‌شود و قانونگذار در باره آن ساکت است این سکوت به منزله عدم پذیرفت چنین مفهومی است. هیچ موافقت نامه‌ای در حل و فصل تابعیت مضاعف بین کشورها منعقد اجرا نشده است و تا موقعی که کشوری بدون توجه به

اراده سایر کشورها، تابعیت جدید خود را به متقاضیان تابعیت تفویض می‌کند، تابعیت مضاعف بر مبنای تابعیت تحصیل تابعیت تحقق خواهد یافت.

در قضیه برادران لاگرانژ این ایده مطرح است که وقتی فرد بر اساس حقوق بین‌الملل، دارای حقوقی می‌شود، نقض این حقوق امکان دسترسی مستقیم برای جبران خسارت را فراهم نمی‌کند. و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص حمایت دیپلماتیک و اصول اخیر حاکم بر حقوق بشر، یکدیگر را تکمیل کرده‌اند و در نهایت در خدمت یک هدف مشترک هستند که همان حمایت از حقوق بشر است.

در قضیه اونا و سایر اتباع مکزیکی دولت‌ها می‌توانند از یک غیرتبعه علیه دولت متبوع فرد آسیب‌دیده یا دولت ثالث در رسیدگی بین دولت‌ها حمایت کنند که این نشان‌دهنده قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی است که اجازه می‌دهد دولت‌ها از فرد غیر تبعه به وسیله اعتراض، مذاکره و یا یک ابزار قضایی حمایت کنند.

در پرونده نازنین زاغری حمایت‌های دولت بریتانیا دچار چالش‌های زیادی است از جمله اینکه دولت بریتانیا در متنی که روی سایت این دولت منتشر شده بیان نموده‌است: اگر فرد دو تابعیتی که یکی از تابعیت‌های وی بریتانیایی است در کشور دیگری حضور داشته باشد که تابعیت آن کشور را نیز داراست، نمی‌تواند از «کمک دیپلماتیک» بریتانیا بهره‌مند شود.

در مورد سه پرونده بررسی شده در این تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که تابعیت مضاعف به علت نواقص در قوانین حقوقی بین‌المللی نمی‌تواند برای شخص دو تابعیتی مزایای سیاسی و چه بسا امنیتی داشته باشد و گاهی موجب اعمال نظر دولت‌ها و یا بکارگیری ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که قوانین برای افراد دو تابعیتی دارای کاستی‌ها و نقایص بسیار است و در بسیاری از موارد این افراد مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و چه بسا به خاطر تابعیت جدید مجبور به جاسوسی یا موارد جرم دیگر بشوند که نبود قوانین جامع در مورد این افراد خود کمک به اعمال ظلم و ضایع شدن حقوق این افراد می‌کند. کشورها و دولت‌ها باید با در نظر گرفتن حقوق بشر و قوانین بین‌الملل به طور جامع قوانین کامل و سالمی برای این افراد وضع کنند و پیگیر موضوع تابعیت مضاعف برای افراد باشند. چه بسا که فرد مطمئناً نمی‌تواند نسبت به هر دو دولت وفادار بماند و تکالیف خود را ادا کند. باشد که در آینده به این موضوع رسیدگی بیشتری شود.

منابع

ابوالحمد، عبد الحمید، حقوق اداری، تهران: دانشگاه تهران، شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۴۴۹.

احسن‌نژاد، مسعود (مترجم)، انجمن ایرانی حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت ثالث درقبال نقض‌های حقوق بشر، <http://iail.blogfa.com/post/1>

احمدی، کوروش، ابعاد حقوقی یک حمایت، روزنامه اعتماد، شماره ۴۳۲۶، یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷.

احمدی نژاد، مریم، متاجی، محسن؛ «سیر تاریخی پذیرش شخصیت حقوقی افراد، در حقوق بین‌الملل بشر»، اندیشه‌های حقوق عمومی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۹ و ۲۰.

امیدی، علی، «حقوق بین‌الملل از نظریه تا عمل»، تهران، نشر میزان، (۱۳۸۸ش)، ص ۲۹۴

باهری، زهرا، عطار، افشانه؛ بررسی آثار تابعیت مضاعف و راه‌های پیشگیری از آن، حق گستر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، (۱۳۹۳).

تدینی، عباس، کازرونی، سیدمصطفی؛ نقل از تیورسیو، (۲۰۰۱)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های میزبان در قبال خسارات وارده به اتباع بیگانه در قلمروشان با تاکید بر فاجعه منا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۵۱۱.

سادات میدانی، حسین، «حمایت دولت‌ها از افراد در حقوق بین‌الملل»؛ یادداشتی بر حمایت از افراد با تابعیت مضاعف در قبال دولت متبوع دیگر، مجله پژوهش علوم انسانی، سال نهم، شماره ۲۳، (۱۳۸۷ش)، ص ۱۵.

سلطانی آذر، سعید، «بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در حوزه حمایت دیپلماتیک از منظر حقوق بشر» نگاهی به پرونده‌های بارسلونا تراکشن، برادران لاگرانژ، اونا و سایر اتباع مکزیکی، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۳۹ و ۴۰، (۱۳۹۴ش)، صص ۶۶-۴۱.

شفیعی، ابوذر، رستم زاده، حسین، رایمند، محمد امین، گنجیانی، سیدمهدی؛ حقوق دیپلماتیک، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه-استانبول، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴.

جعفری، سجاد، اصل حمایت دیپلماتیک و کارکرد آن در حادثه منا، فصلنامه علمی ترویجی میقات، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۴-۵۵.

حبیبی، همایون، شاملو، سوده؛ نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۱۵، شماره ۴۱، سال ۱۳۹۳، صص ۱۱۴-۷۱.

حدادیان، محمدعلی، آهنی، ابراهیم؛ بررسی تابعیت مضاعف در حقوق بین‌الملل، کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی بارسلونا-اسپانیا، ۲۳ مهر ۱۳۹۵.

خیری نژاد، مصطفی، ناصر و مهدی؛ و اقامحمدی، محسن، تحلیل حقوقی مفهوم تابعیت مضاعف و طرق پیشگیری از آن (با نگاهی به رویه قضایی بین‌الملل و کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه)، دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ۱۳۹۷، https://www.civilica.com/Paper-KAUHEM02-KAUHEM02_041.html

روزبهرانی، حامد؛ پایگاه جامع اطلاع رسانی وکالت آنلاین.

روزنامه تسنیم، کدخبر ۶۵۳۸۲۳۹، تاریخ انتشار ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۷، باشگاه خبرنگاران جوان، <https://www.yjc.ir/00RQfT>

روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۹۸۱، اخبار دیپلماتیک، پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۹.

زینالی، بهزاد، (۱۳۹۹)، قانون دو تابعیتی در ایران، خانه دعوی حقوقی، بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا، <https://www.sena2015.com/about>

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حقوق بین‌الملل»، شماره ۶۳۴۴.

عبدالهی، محسن، حسنخانی، علی؛ پاسداری از حقوق فردی: تحلیل رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گینه علیه کنگو، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، (۱۳۹۳)، شماره ۴۵.

غلامی، حسن؛ قاعده استمرار تابعیت در دعاوی بین‌الملل، مجله حقوق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۴۹.

صفائی اردکانی، عبدالرحیم، ۱۳۹۷، تابعیت مضاعف، مشکلات حقوقی و راهکارهای آن در ایران، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)، تهران، <https://civilica.com/doc/904461>

گایا، جورجیو، «جایگاه افراد در حقوق بین الملل: دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل»، ترجمه نیلوفر نظریانی، وبلاگ دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق بین الملل ورودی ۸۹ دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۰.

مرندی، الهه؛ مظفری سبینی، خدیجه، (۱۳۹۹)، نظام حقوقی حاکم بر استخدام و به کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در ایران، فصلنامه حقوق اداری (علمی-پژوهشی)، سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۰۱-۲۲۳

مقامی، امیر، ۱۳۹۷، <https://www.gov.uk/dual-citizenship>.

نوری، ولی اله، «تحول مفهوم حقوق و مسئولیت های اشخاص حقیقی در حقوق بین الملل در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی دانشکده حقوق، سال ۱۳۹۰.

نیاورانی، صابر؛ ذبیحی شهری، سیده ساناز؛ «حمایت دیپلماتیک در قامت یک حق بشری»، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۲۲، سال ششم، سال ۱۳۹۴، ص ۱.

والاس، ربکا، حقوق بین الملل، مترجمان: سید قاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

منابع لاتین

-Tiburcio, Carmen (2001). "The Human Rights of Aliens Under International and Comparative Law", Martinus Nijhoff Publishers.

-Vattel, the Law of Nations, 1916, p136.

سایت ها:

- طرح مواد کنوانسیون ۲۰۰۶

<http://miqat.hajj.ir/article>

- سایت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی، آموزش حقوق شهروندی -نظام حقوق بین الملل خصوصی.
<http://www.pjorm.mashhad.ir/index.php>

-maqami.blog.ir

-<http://miqat.hajj.ir/articl>

-<https://www.gov.uk/dual-citizenship>

Abstract

Diplomatic support is the support that one state gives to another state in order to compensate for the damage inflicted on one of its nationals by an international wrongdoing; Whether it is real or legal, it does. Individuals today are somewhat directly involved in international law, and because of this legal presence has been assigned to them and responsibilities have been assigned to them. In this research, an attempt is made to examine the presence of a natural person with dual citizenship in the field of international law. The aim of this study was to determine the nationality of diplomatic protection of natural persons, analysis of conditions for accepting the request from the Government as well as providing fresh perspectives International Law Commission on diplomatic protection and diplomatic protection Analytical review of the case is nice Zagheri. Research Methodology Library and documentary methods have been, and author of legal resources available, including books, articles, dissertations and documents in Farsi and visiting sites and Internet publications and newsletters and then summing up the materials collected and The presentation of specific observations is an attempt to complete the research. The author conducted the survey, an attempt has been addition to clarifying the issue, the conditions to exercise diplomatic protection of natural persons, the mechanisms of this important institution of international law in order to protect the rights of citizens identify and plan, and in Zmynhayjad the new law, International law commissions shall seek final material and material damages for the purpose of protecting individual rights and compensating for immediate and total damages. The question is, what is the diplomatic support for dual nationals and what are the conditions? And the main hypothesis presented in this study states that the individual government of the individual can, depending on the existence of a citizenship relationship and during the process of compensation for internal damages, his citizen against the other government and a third government diplomatic support. Regarding the case of Nazanin Zaghari, a dual national detained in Iran, cases of diplomatic support from the United Kingdom are not acceptable and cannot be enforced. Laws enacted to protect the rights of individuals continue to have shortcomings, including dual or multi-citizenship and even statelessness, which have more specific and difficult conditions, and having effective citizenship in between is a new form of these laws. have given. These results are taken from the analysis and analysis of the author of the research.

Keywords: natural person, legal person, diplomatic support, dual citizenship, international law